

تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار سلمان هراتی

اکرم جهانگیریان^۱، * منیژه فلاحی^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

نویسنده مسئول: mahdisfallahj@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

چکیده

سبک‌شناسی، علمی است که شیوه‌ی خاص هر فرد را در بیان آرا و عقاید او بررسی می‌کند. سبک‌شناسی لایه‌ای با رویکرد تحلیل ادبی، متن را در پنج لایه‌ی، آوایی، بلاغی، نحوی، واژگانی و ایدئولوژی بررسی می‌کند و پس از تبیین هر یک از این عناصر پنجگانه در یک آثار ادبی بر آن است تا ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص اثر را که زمینه‌ساز سبک شخصی وی است به نمایش می‌گذارد. مقاله حاضر براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. سلمان هراتی را باید صدای ناب ادبیات پایداری انقلاب اسلامی ایران خواند، او در قالب‌های گوناگون از غزل و مثنوی و رباعی گرفته تا نیمایی و سپید، طبع خود را آزموده است. رویکرد اصلی و انگیزه او برای سرودن شعر دفاع از انقلاب اسلامی و تبیین ارزشهای آن مسئله جنگ، آرمان‌های دینی و انتقاد از ساختارهای اجتماعی سیاسی دیگر در جهان با تکیه بر ارزش‌های مذهبی تبلیغ روحیه ایمان و جهاد و فداکاری و ساده زیستی است. با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه‌ی شاعر سعی بر آن است تا با ارائه‌ی ابزار و کارکردهای زبانی نظام شعری مجموعه‌های سلمان هراتی در پنج لایه‌ی (آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی، ایدئولوژیک) بر مبنای آمارهای دقیق مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بیشتر اشعار هراتی مستقیم یا غیرمستقیم به بازگویی جهان بینی شاعر به اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی او اشاره دارد، هراتی در شعرهای سپیدش چندان توجهی به فرم، ساختار و موسیقی کلام ندارد و از نظر زبان، بیان و ساختار تشابهی با بیان شاعرانه ندارد، کاربرد واژگان عناصر برگرفته از طبیعت و کاربرد فرهنگ فولکلور از خصوصیات ویژه زبان سلمان-هراتی است و از نظر تصویر گونه‌های مختلف صورخیال اعم از تشبیه، استعاره و کنایه را با محوریت تشخیص به کار گرفته و با زبانی ساده موفق به خلق تصاویری زیبا می‌شود که خواننده را در شفافیت خود غرق می‌کند.

کلیدواژه: سلمان هراتی؛ سبک‌شناسی؛ آوایی؛ واژگانی؛ نحوی؛ بلاغی؛ ایدئولوژیک.

۱. مقدمه

سلمان شاعری است که در بررسی اشعار وی می‌توان گفت که تنها به حیطه‌ی ساختاری شعر تکیه نموده است و مضامین و اندیشه‌های ذهنی وی شانه به شانه به همراه ساختار حرکت می‌کند و شعر را از توصیفات خشک و بی روح بیرون می‌آورد که مهمترین مضامین شعری وی را می‌توان شهادت طلبی، مبارزه، مقاومت و پایداری نام برد و وی را شاعر آزادی و مقاومت نامید و اشعار وی را در حوزه ادبیات پایداری جای داد. سلمان شاعر محیط پاک روستا و مردمان بی ریای آن است شاعری که اگرچه موفقیت‌های گوناگون زندگی را تجربه نموده است اما به هیچ روی از مرز روستا و محیط ساده و دلچسب آن دل نکنده و با طبیعت تنکابن انس گرفته، می‌ماند و جاودان می‌شود با طبیعتی که چون عناصر دیگر ساختار در شعر وی قرار می‌گیرد و لحظه‌های ناب وی را شکل می‌دهد، طبیعتی که از سلمان، سلمان می‌سازد و برای شاعر در حد عناصر دیگر ساختار یا حتی بالاتر از آن ارزشمند تلقی می‌شود به گونه‌ای که تا سخن از طبیعت است سلمان نیز هست کسی که تمام اندیشه‌های خویش را وقف وطن می‌سازد.

کسی که با تپش مرگ زندگانی کرد

کسی که با همه جز خویش مهربانی کرد

کسی که با دل ما ارتباط آبی داشت

هزار پنجره مضمون آفتابی داشت

(مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۳۱۸)

مجموعه‌های شعری سلمان با وجود تعداد کم از کیفیتی متعالی برخوردار است اولین مجموعه که با باز شدن دیوان پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد آسمان سبزی است که ستارگان و خورشید آن بی همتایند، سوگ سروده‌هایی در رثای امامان (امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام) و اشعاری در بیان رهبری و جامعه انجام می‌دهد، همچنین ستایش از دلاورانی چون میرزا کوچک خان که جنگل با همه‌ی عظمت در میان عبای او گم می‌شود و در حد شرافت وی زیباست، «از آسمان سبز» دری است به سوی آسمانی متعالی و متجلی که شاعر دنیای مطلوب خویش را در آن وصف می‌کند و در

همان حال نیز به انتقاد از دنیای واقعی می‌پردازد. «دری به خانه خورشید» را که پیش چشم می‌گذاریم در همان ابتدا مانند عهد قدیم با نیایش آغاز می‌شود و به مخاطبه ی درونی شاعر می‌پردازد، اگرچه شاعر در این محیط نیز بیکار نمی‌ماند و دست به ابتکاری نو می‌زند و این دنیای چگونگی را در قالب جدید می‌سراید و لحظه‌ای از مضامین اجتماعی فاصله نمی‌گیرد و در شعر «من هم می‌میرم» «زمزمه جویبار» و «عید در دو نگاه» به بررسی معضلات اجتماعی خویش در چهارچوب نمادهای شخصی می‌پردازد و کوتاه‌ترین و کوتاه‌ترین مجموعه از چشم‌انداز دیدگاه و مخاطب مجموعه آخر از این «ستاره تا آن ستاره» است که در حال و هوای نوجوانان سروده شده است و شاعر گویی شاگردان خویش را مخاطب قرار داده است عناوین اشعار اجزا و عناصر تشکیل دهنده شعرها همگی از مضامین مدرسه درس کلاس امتحان و غیره تشکیل شده است شاعر در بیان اشعار خویش از ۱۶ شعر نیمایی استفاده می‌نماید که به نوبه خویش می‌تواند از شاعرانی باشد که در حیطه قالب در نگاه مخاطب ساختار شکنی نموده است چون مشق شب و یا املائی است که شاعر از آن برای فهماندن دانش‌آموزان خود استفاده از عناصر و مفاهیم ملموس و قابل دسترس نوجوانان استفاده می‌نماید و شعر خویش را در ذهن مخاطب این جوان خویش ماندگار و جاودان می‌سازد (آواز بال آذرباد، سالاروند: صص ۱۶-۱۷). در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، ویژگی‌های سبکی اشعار هراتی، در پنج لایه ی آوایی؛ واژگانی؛ نحوی؛ بلاغی؛ ایدئولوژیک بررسی شده است.

۲. معرفی سلمان هراتی

سلمان هدایتی در سال ۱۳۳۸ در روستایی مرز دشت از توابع تنکابن که روستایی زیبا و همجوار جنگل و دریاست دیده به جهان گشود، سلمان پدر خود را این چنین توصیف کرده است: پدرم کارگر است به مزرعه می‌آید با آخرین ستاره از آسمان صبح باز می‌گردد، و با اولین ستاره در آسمان شب، پدرم خورشید است. وی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد و برای ادامه ی تحصیل به تنکابن رفت. روزها در دکان خرازی کار می‌کرد و شبها درس می‌خواند سپس به بیمارستانی در تهران رفت و به کار مشغول شد. وی با توجه به شرایط سختی که داشت به صورت متفرقه در امتحانات نهایی ششم دبیرستان شرکت کرد و قبول شد. در زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به سربازی رفت و در همان در رشته ی هنر تربیت معلم پذیرفته شد. خودش اظهار نموده بود که از سال ۵۰ به صورت حرفه ای پا به دنیای شعر گذاشته و به سرودن شعر مبادرت ورزید. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد و عاقبت در عصر جمعه نهم آبان ماه سال ۶۵ در حادثه ی تصادف جان خود را از دست داد. کتاب شعر سلمان شامل ۳ دفتر است:

دفتر اول: «از آسمان سبز» مجموعه اشعار نو، غزل چهار پاره، مثنوی و دوبیتی شاعر است.

دفتر دوم: «دری به خانه ی خورشید» نیز از اشعار نو، غزل، مثنوی، رباعی تشکیل شده است.

دفتر سوم: در مجموعه اشعار سلمان مخاطب بلافاصله با دیدگاه و آرای وی رو در رو می‌شود در واقع شاعر بی‌پیرایه به طور مسلم اندیشه و بیان را که بر آن پایبند است مطرح می‌سازد. او پایبند اصول اخلاقی و تعهدات اجتماعی است.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

درباره سبک شناسی سخنران و نویسندگان پژوهش‌های فراوانی انجام دادن و آثار ایشان از دیدگاه‌های گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. اما پیرامون پیشینه موضوع پژوهش حاضر باید خاطر نشان کرد، سبک شناسی لایه ای پژوهشی نو و جدید است که تاکنون آثار اندکی با این رویکرد بررسی شده است. اما، کتاب و مقالاتی در دست است که با مبانی نظری این پژوهش مرتبط است. در میان آثار موجود در این زمینه، می‌توان به کتاب سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (۱۹۳۱) تألیف محمود فتوحی اشاره کرد. فتوحی در این اثر به مبانی سبک شناسی لایه ای و انواع آن پرداخته است. هم‌چنین حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی نیز، در مقاله ی سبک شناسی لایه ای در خطبه ۲۷ نهج البلاغه (۱۳۹۳) به سبک شناسی لایه ای و تبیین مؤلفه های سبکی خطبه ای از نهج البلاغه پرداخته‌اند. درباره هراتی هم چندین کتاب و مقاله تاکنون به رشته تحریر در آمده است به طور نمونه: «هم آشیان با عشق ابدی» بررسی موضوع ادبی سروده های سلمان هراتی نوشته غلامحسین برومند (آمل، طالب آملی، ۱۳۸۹). «نگاهی به کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی» نوشته فاطمه مدرسی و قاسم مهرآور گیگللو (ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۳) که به وجوه افعال و کاربرد آنها در اشعار هراتی پرداخته‌اند. «مست لحظه‌های بی‌ریا» کاوشی در اشعار افکار سلمان هراتی از منوچهر علی‌پور (تهران، فردوس، ۱۳۷۵) پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی به قلم مهدی خادمی کولایی (ساری، سلفین، ۱۳۸۵) در مقالات علمی پژوهشی هم به موضوعات ادبیات انقلاب و جنگ در شعر سلمان هراتی پرداخته شده‌است که مقاله‌های زیر در این موضوع قابل ذکر هستند مقاله یادداشت گونه‌ای با نام «گل چه پایان قشنگی» به قلم محمد تقی عزیزیان در کتاب ماه ادبیات شماره ۴۶ پیاپی ۱۶۰ بهمن ۱۳۸۹ صفحه ۳۸ و ۳۴ و مقاله «جلوه های ادب پایداری در شعر سلمان هراتی» نوشته ی رضا

کریمی لاری در مجله رشد آموزش و زبان و ادب فارسی شمالی ۹۶ زمستان ۱۳۸۹ صفحه ۲۸ و ۳۷ که هر دو مطالب آنها در حد اشاره و پرداختن به کلیات مسئله و آوردن یکی دو مثال در هر مبحث است. و مقاله «تحلیل سبک شناسی سطح فکری شعر سلمان هراتی» نوشته ی مهدی فیروزیان در مجموعه مقاله های دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی شهریور ماه ۱۳۹۴ که صرفا به سطح فکری اشعار پرداخته شده است. تا کنون به شیوه سبک شناسی لایه-ای مدرن در پنج سطح و ویژگی به صورت موازی درباره این شاعر اثر مستقلى نوشته نشده است و روش ما در این مقاله مبتنی بر سبک شناسی و بررسی و تحلیل سراسر سروده های هراتی و مستند سازی داده ها و وسیله ارجاعات متعدد به کلیات اشعار و و دسته بندی مطالب در این بخش ها است.

۴. اهمیت و ضرورت تحقیق

تمام دوره شاعری سلمان هراتی مقارن با سال های جنگ تحمیلی بوده است و با توجه به تعهدی که سلمان نسبت به بازتاب عقاید و افکار انقلابی در شعر خود داشت جایگاهی منحصر به فرد در ادبیات انقلاب و جنگ را به خود اختصاص داده البته شاعران نام آور دیگر این عرصه یا سال های پیش از انقلاب و جنگ را نیز مانند سید علی موسوی گرمارودی و یا در سال های پس از جنگ هم به سخنوری مشغول بودند و طبق اقتضای وقت از مسائل دیگر جز جنگ و انقلاب هم سخن گفتن مانند قیصر امین پور اما مسئله اصلی و اساسی در تمام سال های شاعر هراتی جنگ و انقلاب بوده است و آن را با باید صدای خالص انقلاب اسلامی ایران دانست هراتی توانست بر شاعران انقلابی پس از خود اثری ارزشمند بگذارد و از همین رو بررسی ضرورت و اهمیت پژوهش سبک شناسی لایه های مدرن که از جامع ترین شیوه ها در بررسی متون بهره می گیرد به سازه های زبانی، آوایی، واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آنها در تعبیر و ترکیبات همچنین نحوه و ساختار جمله ها و بلاغت کاربردی اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل آثارش می پردازیم در نهایت از مجموعه کلیات ساختاری اثر به اهداف هنری و روش کار و اندیشه او در زمینه ادبیات انقلاب و جنگ پی می بریم.

۵. بحث و بررسی

سبک، شیوه ی متمایزی از کاربرد زبان با هدفی خاص و برای ایجاد تأثیر بر مخاطب و حاصل گزینش نوع ویژه ای از آواها، واژگان و ساختار نحوی است که به سبب وجود تفکر و خاصی به وجود می آید. همچنین، در تعریف سبک گفته اند: «سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می خورد یک روح یا ویژگی یا ویژگی های مشترک و متکرر در آثار کسی هست به عبارت دیگر این وحدت از تکرار عوامل یا مختصاتی است که در آثار کسی هست و توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می کند (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۱۴). از آنجا که سازهایی چون لغات و واژگان، ساختار و روابط نحوی، دستگاه آوایی، فنون بیانی و بلاغی، جهان بینی شاعر نسبت به امور اطراف و غیره در سبک ساز بودن اثر دخیل هستند ما بوسیله روش سبک شناسی لایه ای مدرن مجموعه آثار هراتی را مورد بررسی قرار می دهیم.

۶. بررسی سبک شناسانه مدرن آثار هراتی

جورج مانو، سبک شناسی را علم بررسی ویژگی های زبانی می داند (سبک شناسی، بهار: ص ۱۱). یکی از انواع جدید سبک-شناسی، سبک شناسی لایه ای است. در سبک شناسی لایه ای، یک اثر در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می شود (سبک شناسی نظریه ها، رویکرد و روش ها، فتوحی: ص ۲۸). سلمان شاعر بنام عصر انقلاب است که زبان و اندیشه و دیدگاه نوینی در اشعارش جلوه گر است او نگاهی ریزبین و نکته سنج و زبانی صمیمی و ساده دارد، تأثیر سهراب سپهری و فروغ فرخزاد در اشعارش دیده می شود که البته این به معنای تقلید از آنان نیست و در خلال زبان شعر او اصالت و خلاقیت شاعر در آفرینش تصاویر بدیع از طبیعت و اندیشه و نوگرایی ذهن و زبان و حالات درونی او هویداست. در تمامی اشعارش خلاقیت و اصالت شاعر دیده می شود.

لایه آوایی

در سطح آوایی، شکل صوری زبان و ارتباط آن با محتوا در زنجیره بافت کلام بررسی می شود. منظور از الگوی آوایی، قافیه، وزن، هم صدایی، واج آرایی، سجع و غیره است (سبک شناسی نظریه ها، رویکرد و روش ها، فتوحی: ص ۲۴۷). مقصود از لایه آوایی، بررسی آواهای زبان است آن گونه که در گفتار تولید و ادراک می شود (سبک شناسی نظریه ها، رویکرد و روش ها، فتوحی: ص ۲۲۸). سطح موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبت های وزنی، قافیه، ردیف و آرایه های لفظی است که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه های او نقش موثری دارد.

موسیقی بیرونی (وزن)

موسیقی بیرونی یا وزن، نظم یکنواختی است که در طول شعر وجود دارد و در فاصله زمانی معین تکرار می شود و همچنین در سطح برونه ی زبان عارض می گردد. از مجموع ۱۷۶ شعر در دیوان هراتی شعر سبید با ۷۷ مورد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و شعر نیمایی با ۳۸ مورد در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. پس نسبت شعر نو به کلاسیک ۱۱۵ به ۶۱ می باشد که بیانگر علاقه ی شاعر به جریان شعری عصر خودش بوده است. در میان اشعار کلاسیک هراتی رباعی با ۲۲ مورد قالب شعری مورد توجه شاعر محسوب می شود که قالب غزل با ۱۵ مورد در جایگاه دوم اشعار هراتی قرار می گیرد و دو بیتی نیز با ۱۵ مورد در همین جایگاه قرار گرفته است. در واقع می توان نتیجه گرفت که هراتی در قالبهای کلاسیک مثل غزل و رباعی و دو بیتی و چهارپاره و مثنوی طبع خود را آزموده است. از مجموع ۹۹ شعر عروضی هراتی، ۴۴ مورد در بحر هزج، ۱۶ مورد در بحر مضارع، ۱۵ نمونه در بحر رمل، ۹ مورد بحر مجتث و بقیه در سایر بحور سروده شده است (۴ مورد خفیف، ۳ مورد متدارک، ۳ مورد متقارب، ۲ مورد رجز، ۱ مورد مشاکل) و این بیانگر توانایی شاعر در سرودن اشعار کلاسیک می باشد. به طور کلی هراتی در شعرهای سپیدش چندان توجهی به فرم، ساختار و موسیقی کلام ندارد و در حقیقت شعرهایش را به نثر می نویسد و از نظر زبان، بیان و ساختار تشابهی با بیان شاعرانه ندارد حتی از نظر منطق بیان نیز به شدت از منطق نثر پیروی می کند، مانند: «نگاه کن / این مرد چه پیشانی بلندی دارد / تو تاکنون چهره ای دیده ای / که اینهمه منور باشد» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۸۱). هراتی در شعرهایش از اوزان تند و دوری استفاده نکرده است. بهره گیری سه بحر هزج، مضارع و رمل در بیش از سه چهارم اشعار موزونش دلیلی است بر روانی و جویباری اوزان در شعر او. فرصت تفکر و اندیشه نشان از تعقل موجود در آثارش است.

مشاکل	رجز	مقارب	متدارک	خفیف	مجتث	رمل	مضارع	هزج	اوزان
۱	۲	۳	۳	۴	۹	۱۶	۱۷	۴۴	تعداد
۱	۲	۳	۳	۴	۹٫۱	۱۶٫۲	۱۷٫۲	۴۴٫۵	درصد (تقریباً)

- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

در زمینه موسیقی کناری که یکی از مکمل های وزن شعر فارسی به حساب می آید قافیه پردازی یکی از عواملی است که شاعر با به کارگیری آن سخن را از نثر عادی دور می کند باید گفت که در اشعار مورد مطالعه بیشترین کاربرد قافیه از نوع اسمی می باشد حروف (ان) و (ار) می باشد. مسلم است که قافیه یابی در میان واژگان مختوم به (ان) و (ار) به مراتب ساده تر و آسان تر می باشد. در ردیف بیشترین کاربرد ردیفها از نوع فعلی است و بیشترین کاربرد فعلی در اشعار شاعر «است، هست، دارد، کند» و مشتقات آنها می باشد و به عنوان ردیف در طول شعر تکرار می شود و بر انسجام طولی شعر می افزاید. از مجموع شصت شعر مورد بررسی ۱۲ مورد روی مصوت بلند است که حرف (ا) ۹ مورد و (و) ۲ مورد و (ی) ۱ مورد است. ۵ شعر نیز از حروف قافیه تنها روی صامت و مقید دارند. ۳۹ قافیه مردف است که ۳۰ قافیه حرف (ا) و ۶ مورد (ی) و ۳ نمونه (و) ردف اصلی است. چهار شعر نیز دارای حرف قید هستند. ۲۶ قافیه دارای حروف الحاقی هستند. این حروف نیز در انسجام طولی کلام می افزایند و سخن را زیباتر و هنری تر نشان می دهند. علاوه بر نکات فوق درباره ی قافیه ی اشعار هراتی می توان به زیبایی های قافیه در اشعار او اشاره کرد. از آن جمله قافیه ی معموله ۱ در شعر زیر:

باور سبز من سپیدارا
دوست دارم تو را و دریا را
هر شب از چشمهات می شنوم
نفس پاک صبح فردا را

(مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۱۴۷)

در غزل فوق (ا) روی و را ردیف است اما در مصراع نخست را جزوی از کلمه ی قافیه است و در اصل (ا) ردف اصلی و (ر) حرف روی است و الف از حروف الحاقی و وصل است. از ۶۰ شعر مورد بررسی ۵۰ تا دارای ردیف هستند. ۴۶ شعر ردیف گروه فعلی، ۱ نمونه حرف (را)، ۱ مورد ضمیر (همه)، ۱ نمونه ضمیر (من) و ۱ مورد گروه ضمیر (من و تو) بود. بیش از ۹۰٪ ردیفها گروه فعلی هستند که نشان از کنشی و بودن اشعار او و تأکیدش بر گروه فعلی است که به عنوان ردیف در طول شعر تکرار می شود و بر انسجام طولی شعر می افزاید. در مجموعه های هراتی ۳۸ شعر در قالب نیمایی سروده شده است و چون قافیه و ردیف در آن ها تغییر می کند صرفاً به نمونه ای از ردیف و قافیه در این قالب اشاره می شود.

«خوش به حال شهدا / که زمین دفتر نقاش آنها شده است / می توانند هزاران دریا / داخل دفترشان رسم کنند» (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۵۰).
شهدا و دریا کلمات قافیه و (ا) روی است.

موسیقی درونی

موسیقی درونی یکی از شگردهای هنری شاعر است که با ارتباط هم‌خوان‌ها (صامت‌ها) و واژه‌ها (مصوت‌ها) و تکرار آنها در طول شعر پدید می‌آید و در انسجام کلام در سطح برونه‌ی زبان و پیوند معنایی متن تأثیر می‌گذارد. صناعات این لایه شامل صناعات، بدیع لفظی اعم از سجع، جناس، تکرار و... است. سلمان هراتی نیز برای لطف کلام خویش از این صناعات استفاده کرده‌است، بطور مثال از صنعت تکرار برای بیشتر برای تأکید و جلب توجه مخاطب استفاده نموده است، در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

- «برای انسان / انسان نیم دایره / انسان لوزی / انسان کج و معوج / انسان واژگون / و انسانی که / در بزرگ داشت جنایت هورا می کشد» (همان: ص ۱۵).

تکرار واژه‌ی انسان به سبب پیوند بین عبارات و انسجام شعر می‌باشد.

- «چرا امشب پشت پنجره نمی‌آیی؟ / چرا به تماشای رود نمی‌آیی؟ / چرا من تو را نمی‌شنوم؟ / چرا مرگ‌ها زنده نیستند؟ / چرا سنگ‌ها سخت شده‌اند؟ / چرا پنجره اخم دارد؟» (همان: ص ۱۸۹).

با تکرار پایایی چرا نومیدی و یأس شاعر تداعی می‌شود.

- «فردا ما آغاز می شویم / فردا جنگلی از پرنده / آسمانی از درخت / و دریایی از خورشید خواهیم داشت / فردا پایان بدی است / فردا جمهوری گل محمدی است» (همان: ص ۲۲۳).

تکرار فردا نوعی قطعیت در وقوع حادثه را نشان می‌دهد که شاعر بر آن تأکید بسیار دارد.

- «ای رویین تن متواضع / ای متواضع رویین تن» (همان: ص ۲۲).

مصراع اول و دوم مزین به صنعت طرد و عکس هستند.

- «لب به آواز نکرده باز... / و من آرام آرام از فراز تن خود می‌ریزم...» (همان: ص ۲۵۹).

موسیقی حاصل از این تکرار و کشش آوایی «آ» گوش را می‌نوازد و مخاطب را در خلسه‌ای میان واقعیت و خیال فرو می‌برد، کشش آوایی از شگردهای زیبایی آفرینی موسیقی اشعار سلمان است.

- «من هم می‌میرم / اما در خیابانی شلوغ / در برابر بی‌تفاوتی چشم‌های تماشا / زیر چرخ‌های بی‌رحم ماشین / ماشین یک پزشک عصبانی» (همان: ص ۱۹۸). شاعر با تکرار واج‌های «ش،ج،خ» می‌خواهد تندی و خشونت را به ذهن مخاطب القا کند. استفاده از صنعت جناس در زیبایی موسیقی کلام بسیار موثر است در ذیل به نمونه‌هایی از کاربرد جناس در اشعار سلمان اشاره می‌نماییم.

- «میزبانان موافق / میزبانان منافق / نان بیعت را تبلیغ می‌کنند» (همان: ص ۲۷).

منافق و موافق جناس اختلاف در وسط هستند و نیز ارتباط آن دو در بدیع معنوی صنعت تضاد است. واژه‌ی میزبان دو مرتبه تکرار شده‌است.

- «خیابان پر از خلوت و خاموشی بود / خم کوچه‌ها را پر از های‌وهو کرد» (همان: ص ۱۵۴).

تکرار صامت (خ) در طول بیت خوف و خفقان را به ذهن متبادر می‌کند که با معنای بیت موافق و هم‌سو می‌باشد.

- «وقتی که خاک / از شوق بوسه ی آفتاب / بی تاب / در انتظار عبور نسیم بود» (همان: ص ۲۰۵).

آفتاب و تاب جناس زاید (مزید) هستند.

- «ای باغ / ای چراغ / چگونه تو را دوست بدارند / بی کمترین نشانی از داغ» (همان: ص ۲۱۹).

میان باغ و داغ جناس مضارع است.

- «دفتر کوچک نقاشی من! / داخل هر برگت / طرح یک موج کشیدم با رنگ / گفته بودم شاید / بتوانم دریا را بکشم / آه افسوس نشد / دفتر کوچک نقاشی من / برگ‌های تو کم است / موج اما بسیار / خوش به حال شهدا / که زمین دفتر نقاشی آن‌ها شده است / می‌توانند هزاران دریا / داخل دفترشان رسم کنند» (همان: ص ۴۹).

میان برگ و رنگ سجع متوازی است. واژه‌ی دفتر در این شعر ۴ مرتبه، ترکیب دفتر نقاشی ۳ بار، برگ، موج و دریا ۲ مرتبه تکرار شده‌است. جمله‌ی دفتر کوچک نقاشی من ۲ بار تکرار شده‌است. این تکرارها در انسجام کلام تأثیر بسزا دارد و در پرورش و تصویرسازی شعر اهمیت ویژه می‌یابد.

لایه واژگانی

یکی از این لایه‌ها، لایه‌ی واژگانی است. در لایه‌ی واژگانی، متن از دو منظر مفهومی و صوری مطالعه می‌شود از منظر مفهومی، مفهوم واژگان براساس اندیشه و ایدئولوژی‌ای که شاعر سعی در انتقال آن به مخاطب دارد، تحلیل می‌شود و از منظر صوری، کاربرد ظاهری واژگان اهمیت دارد. منظور از لایه‌ی واژگانی «بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، معنای آو‌ها، انتلاف معنایی واژه‌ها با هم، دال‌ها و نشانه‌ها و مانند آن است. بررسی این سطح از سبک به کمک دانش تکواژشناسی (علم صرف) امکان‌پذیر است» (سبک شناسی نظریه‌ها، رویکرد و روش‌ها، فتوحی: ص ۲۳۸).

عینی بودن واژگان

مصادق برخی از اسمها به طور مستقل در خارج از ذهن وجود دارند و مرئی و ملموسند. و این گونه اسمها را اسم ذات می نامند در مقابل اسمهای ذات اسمهای دیگری هستند که مصادق آنها به خودی خود و مستقلاً در جهان خارج از ذهن وجود ندارد و تا وجود دیگری نباشد وجود آنها را نمی توانیم دریابیم (دستور زبان فارسی ۲، انوری: ص ۹۸). در مجموعه های شعر هراتی طبیعتاً به سبب وجود عناصر طبیعی در دنیای وجودی شاعر درصد واژگان عینی چشمگیرتر است لیکن شاعر طبیعت و باغ بیکران تخیلات خویش را دستاویزی در جهت بوستان بیکران عالم معنا و اندیشه های ناشی از آن و همچنین امور ذهنی خود قرار داده است و شاعر تمامی عناصر را زنده می بیند، پنجره اخم می کند، خیابان، کوچه، دریاچه و پستو همگی زنده می شوند و جان تازه ای به عناصر اطراف خویش می دهند، لیکن صورت آماری واژگان عینی و ذهنی در مجموعه شعر هراتی نشان از این دارد که شاعر از واژگان عینی افزون تر از واژگان ذهنی بهره گرفته است می توان نمونه های از آن را ذکر نمود: « خرمهره، ماری جوانا، جانور، پیراهن، شیر، مجمع الجزایر، ستارگان...» می توان گفت واژه عشق تقریباً در میان تمامی اشعار هراتی دیده می شود و شاعر با استفاده از عناصر عینی سعی در بیان واژه ذهنی عشق نموده است این واژه همچنین به صورت بذر عشق، میوه ای عشق، لهجه عشق و غیره بیان شده است. عناصر ذهنی دیگری نیز مانند «غم، شادی، ترس، اضطراب، اعتماد، حسرت، آرامش، غریب احساس، بغض و غیره» نیز در اشعار دیده می شود که می توان آنها را در ذیل واژگان ذهنی نام برد و می توان نتیجه گرفت که عناصر طبیعی جزو پرکاربردترین واژگان عینی هراتی محسوب می شود.

هنجارگریزی واژگان

هنجارگریزی واژگان یکی از شیوه هایی است که شاعر برای برجسته نمودن شعر خود از آن استفاده می نماید بدین گونه که برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژگان زبان هنجار واژه های جدید می آفریند (از زبان شناسی به ادبیات، صفوی: ص ۴۹) در اشعار سلمان نیز به چند مورد از واژگان ساخت شاعر و ذهن خلاق وی بر می خوریم و در «دوزخ و درخت گردو» شاعر از واژه گندناک استفاده نموده است. «کالوخ گندناک/ در تو معطر شد و سنبل بست» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۱۹) واژه شتابناک در شعر «آنان ۷۲ تن بودند» «فرومایگان/ دست تقلب را/ در برابر شتابناکی ایشان گشودند...» (همان: ص ۲۷).

واژگان مترادف و متضاد

شاعر عنصری را در مصرعی آورده و در مصرع دیگر مترادف آن را با همان بار معنایی به کار برده تا به نوعی هم از تکرار ممل پرهیز کند و هم انتقال مطلب کند. به طور مثال: «تو نیستی/ و عکستو در قاب لبخند می زند/ به تماشای تصویر تو می ایستم» (همان: ص ۲۱۲). عکس و تصویر در این شعر به یک معنی آمده اند. تمثالی از فرد که در قاب باشد و هر دو با ضمیر تو به کار رفته اند تا نشان دهد آن دو با یک دیگر مترادف هستند

واژگان کهن

با نگاهی گذرا به شعر سلمان می توان به این نتیجه رسید که دریای ژرف و بی پنهان و سیال ذهن شاعر کم و بیش از کاربرد واژگان کهن استفاده نموده و شاعر تا جایی که توانسته است با توجه به شیوه خطاب و بیان خویش از این واژگان مدد جسته است. مانند واژه های (قبیح، سترگ، پستو، اینت، کمینه، تلمذ، هزاره،...)

«ای شمایان شب نشین/ که نغمه قبیحی/ به خوش رقصیان وا می دارد...» (همان: ص ۶۱).

«من چیستم/ یک صفحه ی سیاه/ در دفتر سترگ حیات» (همان: ص ۶۹).

واژگان پایداری

بخشی از سرشت یک سبک را نوعی گزینش واژه ها می سازد (سبک شناسی نظریه ها، رویکرد و روشها، فتوحی: ص ۲۴۹). واژه های پایداری و مقاومت در اشعار هراتی نقش پررنگی دارند و سلمان با استفاده از این واژه ها به توصیف نظام فکری و اعتقادی خود می پردازد. سلمان در اشعارش عشق و ارادت خود را به وطن و ایثار و شهادت، ایمان و شهامت و امام و شهدا نشان می دهد. «پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت/ شب مانده بود و جرات فردا شدن نداشت» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۲۹۷).

«آب صلواتی، آرامش، بهشتی، آموزش طلبیدن، آیه، ایمان، بانگ محمدی، بهشت، بیعت، پیامبر، تقوا، تکبیر، توحید، توکل بر خدا، حجت، حرا، خدا، دعا، ذکر، رحمت بی‌منتهای خدا، رکوع، زیارت، سجده، عاشورا، صلوات، فرشته، قرآن، قیامت، گلدسته، لیبک، محراب، مذهب، مسجد، معاد، معجزه، معنویت، مقتدا، مؤذن، نماز، نور، خدا، وضو، یاد خدا، ابلیس، باطل، برزخ، حرام، دوزخ، شیطان، نفاق، نفس...» سلمان از شخصیت‌های دینی مانند «بلال حبشی، رقیه، زینب، رضا، علی، فاطمه زهرا، محمد، آسیه، ایوب و...» و البته سلمان در اشعار خود نام برده است. همچنین واژه‌های انقلابی چون «قسم به فجر، وطن، بسیج، ظهور، نور، تولد، آفتاب، انتظار، طلوع، سپیده، فجر، بهار، عدل، انقلاب، صبح، امام، ایستاده‌ایم، سبز و سربلند» نیز بهره برده است. و پرکارترین واژه‌ی او در این حوزه «شهید» می‌باشد که بیانگر اهمیت جنگ و جهاد در دستگاه فکری او می‌باشد.

واژگان و ترکیب‌های محاوره‌ای و عامیانه

واژگانی هستند که در زبان روزمره‌ی مردم جاریند و در زبان معیار علمی جایی ندارند و خاص محاوره به شمار می‌آیند. این واژگان شعر را هر چه بیشتر به زبان محاوره نزدیک می‌کنند. وجود واژگان عامیانه در آثار هراتی بسیار دیده می‌شود و دلچسپی و علاقه خاص خویش را در وجود واژگان عامیانه و محلی که مربوط به حوزه زندگی و محیط پرشور روستاست و مکانی رشد و بالندگی وی محسوب می‌شود نشان می‌دهد. شاعر از واژگان عامیانه در جای جای اشعار خود استفاده نموده است (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۱۷) تشریح می‌زنیم (همان: ص ۳۲) عکس یادگاری - آئینه دق (همان: ص ۴۱) تف می‌کند (همان: ص ۹۱) برای اعصاب درب و داغان (همان: ص ۹۴) درد دل - درزگیوه (همان: ص ۱۰۴) دهن کجی - خاطر جمع - عوضی بگوید - می‌خوره (همان: ص ۲۰۰)

«آسمان / آئینه‌ی تمام‌نمای دق بود» (همان: ص ۴۱).

«و گل‌های گلخانه / در حرارت ولرم والر / به پیشواز بهار مصنوعی بشکفند» (همان: ص ۲۹۴).

همچنین شاعر از جملات عامیانه نیز در این حوزه استفاده می‌کند به طور مثال:

امسال سال موش است (همان: ص ۹۶) الهی هرچه در پستو داری زنگ بزندی (همان: ص ۹۷) قربان درد دلت یا فاطمه زهرا (همان: ص ۲۰۱).

واژگان جدید

واژگان جدید، ترکیبات و اصطلاحات ساخته شده ذهن شاعر است واژه آفرینی سلمان کمتر به صورت ترکیب بوده و بیشتر در حوزه قیدی است به عنوان مثال (درختان و روشن) که می‌توان گفت متأثر از شاملو است نخستین بار دست به ابداع چنین ساخت‌هایی زده است.

جل وزغی بویناک / چسبیده بر جداره سنگ‌ها / در حاشیه استراحت مرداب / که قورباغه‌های همزادش / در کارخانه‌های جهان سوم مدیر می‌شوند (همان: ص ۲۲۷). از نوآوری‌های سبکی سلمان ساختن واژگانی با ترکیب پسوند و اسم نظیر (مهتاب ناک، رعدناک، بویناک، افسوسمند، کورستان، بهارانه، نیلوفرانه، شعارباز،) رنگ و لعاب و تحول خاصی به کلام ساده‌ی خود داده است با نگاهی به سابقه کاربرد این پسوند نشان می‌دهد که غالباً همراه با صفت از قبیل وحشتناک و ترسناک به کار رفته است. یکی دیگر از کاربرد واژگانی در شعر سلمان استفاده از نوعی خاص از وابسته‌های عددی که در دستور زبان ممیز می‌گویند است مطابق دستور زبان فارسی ممیز نوعی از وابسته‌های اسمی است که بینش صفت شمارشی و موصوف عدد و معدود به منظور تعیین شمال عدد اندازه و غیر می‌آید ایران صورت وابسته به صفت شمارشی ممیز نام دارد (دستور زبان فارسی، وحیدیان کامیار: ص ۷۸). در اشعار هراتی نیز واژگان نو و ترکیبات جدیدی نظیر (یک آسمان ستاره و یک کهکشان شهاب، یک چمن داغ، هزار چشمه فریاد، هزار پنجره مضمون آفتابی) به کار رفته است که مختص خود اوست و در جای دیگری دیده نشده است.

بعد تو / هر دریچه‌ای که دیده‌ام / چشم احتیاج بود / هر کجا که گشته ام یک خرابه التهاب بود (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۲۶۳).

رنگ

هر رنگ بیانگر یک پیام و ویژگی‌های اخلاقی و روحی شاعر است و شاعر می‌تواند به وسیله رنگ زیبایی موجود در شعر خود را بهتر به نمایش بگذارد. رنگ از ابزار حسی کردن در اشعار هراتی است و بیشترین فراوانی رنگ سبز و آبی است که این نیز می‌تواند به خاطر تأثیر محیط زندگی شاعر باشد. ترکیب‌های وصفی که صفت آنها رنگ است، در شعر سلمان بسامد بالایی دارد که به تفکیک رنگ سبز و مشتقات آن (که تعدادی گر جنگل و درخت است) جمعاً ۶۷ بار و رنگ آبی (تعدادی گر دریا و آسمان) ۱۹ بار و رنگ سرخ ۱۶ بار (بیانگر خون شهیدان و مبارزه انقلابی) پس از آن رنگ سفید ۱۳ بار، رنگ سیاه ۵ بار و ۴ بار رنگ خاکستری از رنگ‌های بکار رفته در اشعار هراتی هستند.

«بهار تعجب سبزی است / در چشم‌های خاک / روبه روی این شگفت / درنگ کن / و درختان / تجسم استغفامی سبز / که سال را چگونه سرآوردی...» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۵۷).

و از این نمونه‌اند: آوازهای آبی، رویاهای سبز، نگاه سبز، سلامت سبز، تنفس سبز، ارتباط آبی، بستر کبود، برق سرخ، خواهش سبز، حیثیت سبز و ...
سلمان علاوه بر مقاصد معنایی و بهره‌مندی از ویژگی‌های رنگ گاهی به وسیله حس آمیزی، رنگ‌ها را که عنصری بصری است با سایر حواس آمیخته تا تصویری بدیع و زیبا برای مخاطب خلاق نماید همچنین از عنصر رنگ برای هم‌نشین‌سازی بهره برده است بطور مثال در جایی که برای تماشای تصویر سرباز شهید می‌گوید:
« تو نیستی / و عکس تو در قاب لبخند می‌زند / و به تماشای تو می‌ایستم / آنگاه در ذهن من / یک آبی / یک زرد به هم می‌آیند » (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۲۱۲).

لایه نحوی

در لایه دیگر این مدل بررسی سبکی، موضوع علم نحو و ساختار جملات مطرح می‌شود. همان گونه که می‌دانیم ارتباط زبانی انسان از طریق جمله صورت می‌گیرد. چیدمان کلمات در جمله و طول و نوع جملات، همگی نحو بیان یک شاعر یا یک نویسنده را نشان می‌دهد. در این روش با بررسی متغیرهای نحوی مانند: وجه فعل، قید و صفت و زمان افعال می‌توانیم پیوند نویسنده را با دیدگاه و جهان بینی وی دریابیم.

ساختار جمله ها

تقریباً نیمی از حجم اشعار هراتی در قالب سپید سروده شده است. شعر نو نیمایی نیز به سبب کم و زیاد شدن طول مصراع‌ها به شعر سپید نزدیک‌تر است و شاعر به آن نسبت به قالب‌های عروضی التفات بیشتر نشان داده است. او وزن و قافیه را مانعی برای بیان اندیشه می‌داند و هنر شاعری را با سایر شگرد های موسیقی کلام و عناصر هنجارگریزی ادبیات نشان می‌دهد و خود را در تنگنای ظرف قوالب و قواعد شعر مقید نمی‌سازد و با زبانی سبک و آسوده و بالی از آتش و باد «آذر باد» به بیان اندیشه‌ها و عقاید خود می‌پردازد. بطور مثال در شعر «تو مرا خواهی برد» کوتاه‌ترین جمله «برها می‌بارند» و بلندترین جمله « و نگاهم چو پر خسته‌ی یک مرغابی میل دارد که بیاساید در برکه‌ی چشم» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۲۵۹) بر حسب تصویرسازی و مضمون آفرینی استفاده می‌نماید.

« و نهاد / بخشی از جمله که درباره‌ی آن / خبری می‌شنویم / و گزاره خبر است / مثل این جمله، شهید رود سرخی ست که تا ابدیت جاری ست » (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۳۵۸).

سلمان آشکارا و آگاهانه اجزای جمله را جابجا می‌کند بطوریکه هنجارگریزی نحوی در سراسر آثار او مشاهده می‌شود.

« و من تازه می‌شوم / از اشتیاق بارش شبنم / نیلوفرانه... » (همان: ص ۱۸۵).

« لب خاموش تو را / پاسخی هست به این / پرسش محتوم آیا... » (همان: ص ۱۳۴).

یکی از مختصات شعری سلمان توجه به محور هم نشینی جملات است بطور مثال:

« بگذار گریه کنم / برای انسان ۱۳۵ / انسان نیم‌دایره / انسان لوزی / انسان کج و معوج / و انسانی که در بزرگداشت جنایت هورا می‌کشد » (همان: ص ۲۱).

متنوی	چهارپاره	دوبیتی	غزل	رباعی	نیمایی	شعر سپید	قالب
۳	۶	۱۵	۱۵	۲۲	۳۸	۷۷	تعداد
۱,۷	۳,۴	۸,۵	۸,۵	۱۲,۵	۲۱,۶	۴۳,۸	درصد (تقریباً)

صدای دستوری

از شگردهایی که سلمان برای ارتقای زبان شعری خویش به‌کار می‌گیرد استفاده از وجوه گوناگون فعل و نقشهای متمایز آن است. اشعار وی غالباً وجه اخباری دارد که بیانگر سبک روایی و تعاملات بینافردی نگرشی اطلاع‌دهنده و یک سو به در اشعارش بوده و صدای دستوری در آن خبری و خنثی می‌باشد. به عبارتی، صدای دستوری در اشعار هراتی گزارشی و اشعارش موضعی خنثی در برابر روابط قدرت دارند. درصد پایینی از اشعار او وجه امری و التزامی دارد که نشانه نگرش و تعاملی عاری از سلطه می‌باشد. هراتی امکان انجام عمل را با فعل های متعددی بیان می‌کند، مانند: فعل «توانستن» فعلی است که بیانگر هم توانایی ذاتی انجام کار و هم توانایی اکتسابی انجام عمل می‌باشد. گفتنی است که این فعلها وجه اخباری دارند و در جمله پایه به کار می‌روند و پیرو آن با وجه التزامی می‌آید. برای نمونه:

« و روز چنان است / که میتوانی همه جا را ببینی / و همه صداهای را بشنوی » (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۸۲).

از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، مضارع ساده بیشترین نمود را در اشعار سلمان هراتی دارد.
 - «حضور تو امروز/ آسمان مجهزی است/ که بیشمار ستاره دارد / و می توان کهکشانش را شمرد» (همان: ص ۴۲).
 در اشعار سلمان هراتی، فعل ماضی ساده، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در جایگاه اول قرار دارد.
 - «آی میرزا/ در جستجوی تو/ از باریکه شمشادهای مقابل رفتم/ و رد پای تو را جستیم» (همان: ص ۴۵).

لایه بلاغی

ادبیات و زبان یک چیزند و آنچه به زبان، ادبیت می بخشد کیفیت کاربردهای بلاغی و صورت های مجازی زبان است. تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه از جمله صناعاتی هستند که شاعر به کمک آن ها صورت کلام خود را برجسته می سازد. هراتی از نظر تصویر گونه های مختلف زیبایی شناسی اعم از تشبیه، استعاره، کنایه و با محوریت تشخیص در آثار او به کار رفته که بیش از هر چیز در خدمت مضمون و وفادار به اندیشه شاعر است.

تشبیه

تشبیه پایه و اساس تصویر سازی شاعران است و سلمان هراتی نیز مانند هر شاعر دیگری از تشبیه در گونه های مختلف آن استفاده کرده است. همچنین انواع تشبیه فشرده یعنی بلیغ اضافی و غیر اضافی (با بسامد بالا) و تشبیهات گسترده از نوع تشبیه جمع و تشبیه مضمیر در اشعار سلمان دیده می شود. در ذیل به نمونه هایی از اضافه های تشبیهی در شعر سلمان اشاره می کنیم:

«باغ آسمان، قفس شب، باتلاق تقلب، باغ خیال، جادوگر آب، غنچه های سرخ امید، غار خلوت، آسمان سینه، درخت وسوسه، اسب سحر، باغ های فقر، نخل های رنج، خورشید نگاه، نیلوفر امید و ناقه دلتنگی و ...»

«اگر چه سینه من شوره زار تنهایی است/ ولی نگاه ترم آشنای باران است...» (همان: ص ۲۸۵).

شاعر سینهی خود را به شوره زار و شوره زار را به تنهایی تشبیه کرده است. کاربرد دو تشبیه بلیغ اضافی و بلیغ اسنادی نشان از تبحر و وسعت دید و شناخت ساختار شعری و استعداد و توانایی شاعر در تلفیق عناصر شعری ست. نمونه هایی از تشبیه بلیغ اسنادی در اشعار سلمان به صورت زیر است:

- «بهار تعجب سبزی است، ارباب کاهنی بود، جهان قرآن مصور است، من یک کویر تشنگی ام، جبهه مدرسه است، پدرم خورشید است، برکه ها آینه نام تو اند، من همان شبان عاشقم و غیره»

«شهیدا خورشیدند/ مرتضی گفت: شهید/ چون شقایق سرخ است/ دانش آموزی گفت: / چون چراغی است که در خانه ما می سوزد/ و کسی دیگر گفت: / آن درختی است که در باغچه ها می روید دیگری گفت: شهید/ داستانی است پر از حادثه و زیبایی» (همان: ص ۳۶۷).

هراتی در ابیات بالا تشبیهات گسترده را با زیبایی خاصی به کار برده و توانسته شهید را به مفاهیم مختلف زیبایی طبیعی و قابل لمس و محسوس تشبیه کند. در یک بیت شهید را مانند شقایقی سرخ می داند و در بیت دیگر مانند چراغی که روشن کننده خانه و در دیگر بیت، شهید درختی است که در باغچه ها می روید.

«ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطن من! / ای تواناترین مظلوم/ تو را دوست دارم/ ای آفتاب شمایل دریا دل/ و مرگ در کنار تو زندگی است/ ای منظومه نفیس غم و لبخند/ ای فروتن نیرومند..» (همان: ص ۱۵).

سلمان هراتی در شعر «دوزخ و درخت گردو» توانسته است وطن را به ۱۹ تعبیر مختلف تشبیه کند. او وطن را تواناترین مظلوم و آفتاب شمایل دریا دل می داند که مرگ در کنار او زندگی ست و این موضوع را با تناقضی زیبا بیان کرده و باعث تأثیر گذار تر شدن شعر خود شده است. همچنین او وطن را منظومه نفیس غم و لبخند، فروتن نیرومند، درخت گردوی کهنسال، شیر زهره بی باک، بهار استوار، اقیانوس موج عاطفه و خشونت، کشتزار حاصلخیز مجمع الجزایر گلها و خوبیهها، مظلوم مجروح، شکیبایی شکوهمند، چشم انداز روشن خدا، آبی سیال، پهلوان فروتن، پوپک مؤدب، رویین تن متواضع، پوریای ولی و طیب می داند.

هراتی در بعضی از اشعار خود از تشبیه های ساده و دم دست استفاده کرده است تشبیه های که عناصر طرفین آنها بیشتر بر گرفته از اشیا و لوازم عادی زندگی و همچنین طبیعت و عناصر آن می باشد

چشم هایش/ باز چون خورشیدی در کنکاش/ مثل اطمینان بود/ و چه وسعت داشت بی هیچ شباهت به کویر/ همه زاینده و سبز/ مثل جنگل بود بی یک علف هرز در او..» (همان: ص ۲۷۶).

او در این شعر مشبه یعنی شهید را بی تصریح به آن در مصراع های مختلف به مشبه های گوناگون تشبیه کرده است همچون خورشید، اطمینان، کویر، جنگل. تشبیه مضمیر نیز یکی دیگر از انواع تشبیه است که در آثار سلمان بصورت ابتکاری دیده می شود اما بسامد چندانی ندارد.

«دنبال او آمدم، دیدم آنجا/ آتشفشان صبورم/ چون خستگی روی یک بالش افتاد/ گفتم دل من/ چندی است اینجا/ از جنب و جوش مدام خود افتاده ای...» (همان: ص ۱۲۵).

شاعر آتشفشان صبورش که با کمی دقت معلوم می‌شود دل شاعر است را به خستگی مانند کرده‌است.

- «گاهی آنقدر واقعیت داری / که پیشانی ام / به یک تکه ابر سجده می‌برد» (همان: ص ۱۸۷).

- «من آبستن یک شکوفه‌ام که / که همین تابستان شکوفه می‌دهم» (همان: ص ۱۸۶).

نمونه‌هایی از تشبیهات موکد و مجمل در اشعار سلمان:

- «من مثل عصر روزهای تابستان / پر از کسالت و تردیدم» (همان: ص ۶۷).

- «دل من مثل دشت لخت شالی است» (همان: ص ۱۸۱).

- «چون غم میان سینه‌ی من ماندگار شو» (همان: ص ۳۰۶).

در بیان محسوس و معقول بودن تشبیهات می‌توان گفت اشعار سلمان دارای تصاویر محسوس است زیرا چشمگیرترین عنصر در اشعار او عنصر طبیعت است و می‌توان اشعار او را شعر تشبیهات طبیعی دانست البته در بعضی موارد هم از عناصر غیر محسوس مانند: «نگاه، خواب شهید، غم» در بیان مشبه به استفاده نموده است.

استعاره

صورت خیالی دیگر که سلمان هراتی همچون دیگر شاعران در اشعار خود به کار گرفته است، استعاره است. استعاره‌های سلمان نیز مانند تشبیهات او در بسیاری از موارد برگرفته از عناصر مادی و طبیعت است و عناصر دینی و مذهبی و رویکرد انقلابی شاعر نیز در آنها به خوبی مشهود است. این استعاره‌ها بیشتر به صورت استعاره مکنیه است که هم به صورت اضافی و هم غیر اضافی آمده‌اند؛ و استعاره مصرحه در آنها کمتر دیده می‌شود:

«آفتاب نماز حادثه می‌خواند / ناگاه دست حرامی / با بغض و سوسه چرخید / با خنجرش / فرق منور خورشید را شکافت...» (همان: ص ۲۵).

هراتی آفتاب و خورشید را استعاره ای از حضرت علی (ع) می‌داند که با ضربت شمشیر به شهادت رسید، همچنین بغض و سوسه اضافه استعاره هستند.

- «بگذار / گنجشک‌های خرد / در آفتاب مه‌آلود / بعد از ظهر زمستان / به تعبیر بهار بنشینند» (همان: ص ۲۰۷).

گنجشک‌های خرد استعاره از مردم منتظر به ظهور حضرت مهدی (عج)، آفتاب مه‌آلود استعاره از وجود آن حضرت و بهار استعاره از فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) است. نمونه‌هایی از اضافه‌های استعاره شاعر عبارتند از: «خانه آفتاب، دست ثقلب، شانه زمین، شقیقه صبح، لبان صبح، آیه های قیامت، چشم‌های خاک، خون آفتاب، ردّ داغ، تپش مرگ، ورق سرخ گل، حیلۀ سنگ، خنده ماهتاب، جسم فسرده خاک، عطش کویر، فهم مرگ، صحن خاکستری صبح، چشم سفر، نماز ستاره‌ها، پیغام آب، بوی عشق، سکوت پنجره، دل قطره‌ها، تب مرگ، آبروی خاک، بال شوق و غیره...» نمونه‌ای از استعاره‌های مکنیه تخیلیه در اشعار سلمان هراتی که این نوع استعاره در شعرهای او بسامد بالایی دارد و تقریباً نیمه بیشتر استعارات مکنیه او را تشکیل می‌دهند.

«به مرگ تو قسم / تو را از شاخه‌ی بودن خواهیم چید / و تو را مثل یک تیر آهن / لای آجرها خواهیم گذاشت...» (همان: ص ۱۰۰).

در این بیت بودن را به درختی تشبیه کرده که شاخه دارد و سپس مشبه به یعنی درخت را حذف کرده و شاخه را همراه با مشبه آورده است.

کنایه

شاعران برای غنی کردن شعرشان اصطلاحات و کنایات را از زبان مردم می‌گیرند و با وارد کردن به حوزه شعر آنها را شاعرانه می‌کنند تا به وسیله آن‌ها رنگ صمیمیت و سادگی به شعر ببخشند. هراتی نیز در اشعارش بیشتر از کنایه‌های عامیانه و فعلی از نوع ایماء استفاده می‌کند تا شعرش از مردم عادی فاصله نگیرد مانند: «از دماغ فیل افتادن، گل به سر کسی زدن، کور خواندن، هر چه دیدن از چشم خود دیدن، هیزم تر به کسی فروختن، آسمان به زمین آمدن، دست به دامن کسی داشتن، زیر بوته عمل آمدن و آب در سماور کهنه ریختن (که یک مثل مازندرانی است و وقتی می‌خواهند از گذشته‌هایشان صحبت کنند از این جمله استفاده می‌کنند) و غیره»، استفاده او از کنایه‌های فرهنگ قدیم بسیار اندک است.

او که جبهه را از نزدیک دیده و معنویت‌ها را درک کرده وقتی می‌بیند کاروان نور به سمت نسیم روح افزای جبهه می‌رود و با آنها همراه نیست افسوس می‌خورد و دلیل آن را غماز نبودن آینه وجودی خود می‌داند.

یک چشم مهربان / با دستی از خضوع / یک برگ یادداشت به من داد / در آن نوشته بود / آینه‌ات دانی چرا غماز نیست. (همان: ص ۷۳)

آینه غماز بودن کنایه از ضمیر پاک و تسویه باطن است یعنی آینه وجود انسان باید صاف و روشن باشند و زنگار از علاقه‌های مادی بر آن نباشد سلمان اکثر کنایه‌های خود را از مواردی که در زبان روزمره کاربرد دارد فراهم می‌کند تا بدین وسیله شعرش با مردم فاصله نگیرد و مقبول عموم واقع شود.

حس آمیزی

حس آمیزی یکی از شیوه های بیان مفاهیم و ادای معانی با بهره گیری از خیال است که شاعر در خلق سخن تازه از آن استفاده می کند و قدرت القای معانی و مفاهیم را چند برابر افزایش می دهد. یکی دیگر از ابزار های خیال انگیزی در اشعار سلمان حس آمیزی است. او عشق را تبلور آرزوی سبز می نامد و در شعر تدفین "مادر بزرگ" در رثای مادر بزرگش چنین می گوید:

«مادر بزرگ من / در جامه ای به رنگ سرانجام پیچیده شد / بوی کبود مرگ / ما را احاطه کرد...» (همان: ص ۲۰۷).

شاعر از ترکیب دو حس بویایی و بینایی، حس آمیزی زیبایی را برای القای مفهومی که در ذهن درباره مرگ مادر بزرگش داشته، استفاده نموده است و در ترکیب بوی کبود مرگ برای مرگ که پدیده ای انتزاعی است بوی کبود را قائل شده است.

«دست بر شاخه عشق / روی در پنجره داشت / نگران گل سرخی که در آنسوی نگاهش می رست / بوی گل را می دید...» (همان: ص ۱۲۹).

شاعر با دیدن بوی گل، حس بینایی را به جای بویایی به کار برده است.

تشخیص

در میان گونه های مختلف صور خیال در اشعار سلمان هراتی، آرایه تشخیص محوریت دارد و روحی تازه در شعر او دمیده است. شاعر با استفاده از این صنعت عناصر طبیعی و مادی را جان بخشیده و برای آن شخصیت قائل شده است. او به آب معنی دریا شدن، به شب جرأت برداشتن و به علف اجازه پیدا شدن می دهد. به طور کلی باید گفت تشخیص یا جاندارانگاری در سراسر آثار وی به چشم می خورد به صورت گذرا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

«بنویسید سر سطر / که صبح / از مزار شهدا می آید / با سبدهایی از میخک سرخ / و سپس می آیند / صبح و خورشید و نسیم / و به لبخندی / می گشایند در مدرسه را» (همان: ص ۳۵۵).

«دیشب مرگ با لباسی سبز / و موهایی به رنگ آفتاب / به بستر او آمد / دیشب مرگ آمد و او را برد / شالیزار سرت سبز و سلامت باد.» (همان: ص ۲۵۵).

هراتی با جان بخشی سبب می شود که وصف های او حرکت و حیات بیشتری داشته باشند. آمدن مرگ و مورد خطاب قرار گرفتن شالیزار باعث شده که اندیشه خلاق شاعر تصویری شاعرانه بیافریند و اعمالی انسانی را به موجوداتی غیر جاندار نسبت دهد و به این عناصر بی جان حیات ببخشد.

پارادوکس

پارادوکس از خانواده تضادهاست که دو سوی عبارت به لحاظ معنایی یکدیگر را رد می کنند و عبارتی دیگر پارادوکس تناقض طرح مفاهیم و بیان اندیشه ها به صورت نامتعارف و عادت زاست که ذهن مخاطب را به پرسشگری و تامل وامی دارد. شاعر با استفاده از پارادوکس مفاهیم کلی و عام را بیان می کند و از بیان مستقیم و ساده طفره می رود این صورت خیالی نیز با بسامد نه چندان بالا در اشعار هراتی دیده می شود:

«ای عشق ای تبلور آن آرزوی سبز / برخیز و چون سکوت دلم را خطاب کن» (همان: ص ۳۱۱).

«ای وطن من ای عشق / ای ازدحام درد / جان من از بی دردی / درد می کند» (همان: ص ۶۴).

ایدئولوژی

شعرهای سلمان هراتی بیش از هر چیز بیانگر ایدئولوژی شاعر است. بیشتر اشعارش بصورت مستقیم یا غیر مستقیم به بازگویی جهان بینی، برداشت های اجتماعی و سیاسی و اعتقادات او می پردازد. زبان سلمان زبان انقلاب را انقلاب است و در جای جای اشعارش، بصیرت اجتماعی، نگاه معنوی و غرب ستیزی موج می زند. شعر هراتی شعر جنگ، شعر اعتراض و هشدار است. آنجا که از وطن می گوید صریحاً به ایران معاصر خود اشاره دارد و از ایرانی می گوید که نام خیابان هایش را شهیدان برگزیدند، ایران سلمان هراتی ایران انقلابی و درگیر جنگ توصیف شده، اشعار او سرشار از عشق، ایمان و خلوص است که ارزش های بی بدیل هویت انسانی را نشان می دهد برای او جنگ عنصر ضد بشری ویران کننده نیست بلکه زیبا و واجب و با توجیه ایدئولوژیک و دقیقاً رنگ دفاع مقدس می گیرد.

«وقتی که از هوای گرفته بودن / به سمت جبهه می آیی / تمام تو در معیت آفتاب است / زیر کسای متبرک توحید» (همان: ص ۸۲).

هراتی یکی از شاعران برجسته و توانا در عرصه انقلاب و شعر جنگ است که خیلی زود انقلاب را درک و آن را در اشعارش منعکس کرد و به صراحت می توان گفت که جزو پانزده شاعر برگزیده بیست سال شعر جنگ است. اشعار او مالا مال از سخن جبهه و شهدا و مذمت زندگی شهری است. نگاه سلمان به دنیای امروز نگاهی آمیخته با نکوهش مدرنیته و ستایش انسانیتی که در بیشتر موارد بر پایه باورهای دینی استوار است. او به شهدا و امام عشق می ورزد و این عشق از احساسات واقعی او سرچشمه گرفته است. همچنین همه جای اشعارش بوی عرفان می دهد او می خواهد فنا شود و این فنا شدن در اشعار او موج می زند. در پس عناصر شعرش اندوهی از «هجرت» از جنس غربت مولانا را می توان حس کرد.

- «نیاز محو شدن بود در تن خاکی / که با شنیدن یک بانگ از جرس رفتیم» (مجموعه کامل شعرها، هراتی: ص ۳۰۱).
- «بهار با تو درختی است بی‌نهایت سبز / دریغ و درد از این بادهای پاییزی» (همان: ص ۱۵۹).
- «در دوزخی که معصیت بودن آفرید / آرامش بهشتی یک چشمه سار شو» (همان: ص ۳۰۷).
- پیوند مسائل اجتماعی با دنیای انتزاعی، نقطه عطفی در شعر این شاعر متعهد است. نگاه معنوی او به موضوعات اجتماعی، در شعر بعد از انقلاب به اوج خود می‌رسد و اشعارش را سرشار از امید و بشارت می‌نماید.
- او در شعرهایش به مردم آینده‌ای درخشان را نوید می‌دهد. این بشارت و امید از سرچشمه باوری است که سلمان به انقلاب اسلامی دارد. از این رو چنین می‌سراید:
- «دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو / دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت آینه دار من و تو» (همان: ص ۲۹۴).
- شعر اعتراض و هشدار هراتی که بیانگر ناکامی‌ها و نامرادی‌هایی ناشی از چون از یاد رفتن برخی از ارزش‌ها بود، پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی نمایان شد. سلمان در این ابیات زورگویان و زراندوزانی را مورد خطاب قرار می‌دهد که بدون توجه به مفاهیم و ارزش‌های انقلاب، در پی منافع خویش بودند.
- «چرا سهم عبدالله / جریب جریب زحمت است و حسرت / و سهم ناصرخان / هکتار محصول است و استراحت؟ / ما در مقابل آمریکا ایستاده ایم / اما چرا هنوز کیومرث خان خرش می‌رود / عبدالله با داس / هر شب چند خوک سر مزرعه می‌کشد / اما وقتی ارباب می‌آید، مجبور است تعظیم کند / چرا عبدالله مجبور است به این خوک تعظیم کند؟» (همان: ص ۲۰۱).

۷. نتیجه گیری

به طور کلی هراتی در شعرهای سپیدش چندان توجهی به فرم، ساختار و موسیقی کلام ندارد و در حقیقت شعرهایش را به نثر می‌نویسد و از نظر زبان، بیان و ساختار تشابهی با بیان شاعرانه ندارد، کاربرد واژگان متناسب با شغل معلمی به بسامد بالای عناصر برگرفته از طبیعت و نزدیکی به زبان و گفتار همچنین استفاده از واژگان عامیانه و کاربرد فرهنگ فولکلور از خصوصیات ویژه زبان سلمان هراتی است. سلمان از نظر تصویر گونه‌های مختلف صورخیال اعم از تشبیه، استعاره و کنایه را با محوریت تشخیص به کار گرفته است که بیش از هر چیز در خدمت مضمون و وفادار به اندیشه شاعر است و استعاره‌های او هم برگرفته از عناصر مادی و طبیعت و بیشتر از نوع استعاره مکنیه است که هم به صورت اضافی و هم غیر اضافی دیده می‌شود و استعاره مصرحه کمتر دیده دارد. انواع تشبیه فشرده یعنی بلیغ اضافی و غیر اضافی و تشبیهات گسترده از نوع تشبیه جمع و تشبیه مضمون در اشعار سلمان دیده می‌شود، همچنین کنایه‌های او نیز جزء کنایه‌های قاموسی و معمول زبان فارسی است و از آن برای بیان بهتر اندیشه‌ها و عواطف خود استفاده کرده است. تشخیص در آثار او محوریت دارد و او عناصر مادی و طبیعی را جان بخشیده است همچنین حضور مجاز با علاقه‌های مختلف کم و بیش در آثارش دیده می‌شود. حس آمیزی هم از دیگر ابزارهای خیال اوست و تناقض هم با بسامد نه چندان بالایی در آثارش مشاهده می‌گردد. در اشعار هراتی عنصر رنگ اغلب در ترکیب‌های وصفی و به صورت اضافه برای ملموس کردن مفاهیم انتزاعی بکار رفته است. زبان سلمان ساده با واژه‌های دم دست است که عقیده دارند به پیچیدگی‌های واژگانی و نحوی شاید این هم خود یکی از مختصات کلیه اشعار ایدئولوژیک باشد شاعر وقتی درد اجتماعی دارد خود را در بند بازیهای زبان گرفتار نمی‌کند و سخن خود را به سادگی بیان می‌کند معیار خود را حفظ می‌کند و در غزل و مثنوی هم از یکدستی فاصله نمی‌گیرد و با همین زبان ساده بی رمز و راز موفق به خلق تصاویری زیبا می‌شود که خواننده را در شفافیت خود غرق می‌کند. بیشتر اشعار هراتی مستقیم یا غیرمستقیم به بازگویی جهان بینی شاعر به اعتقادات و برداشت‌های اجتماعی او اشاره دارد، آنجا که از وطن می‌گوید صریحاً به ایران معاصر خود اشاره دارد و ایران انقلابی و درگیر جنگ را توصیف می‌کند و عاشق امام و شهداست. همچنین اشعار سلمان، مردمی و مکتبی است. او با دیدن مشکلات اجتماعی سکوت نمی‌کند و آنها را بیان می‌نماید و می‌توان او را انسانی سوخته دل و عارف دانست نه شاعری شعارپرداز.

منابع

- ۱) دستور زبان فارسی ۲، انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۰)، تهران، فاطمی، چ بسیت ویکم.
- ۲) دستور زبان فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۲)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت
- ۳) سبک شناسی (یا تاریخ تطور نثر فارسی)، بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، ج ۳، تهران، امیرکبیر، چ سوم.
- ۴) آواز بال آذرباد (یادمان هراتی)، سالاروند، فاطمه و راضیه بهرامی (۱۳۸۳)، تهران، دفتر شعر جوان. چ اول.
- ۵) مبانی سبک شناسی شعر، سمیعی، احمد (۱۳۸۶)، نشریه علمی پژوهشی ادب پژوهی، شماره دوم.
- ۶) کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۴)، چ اول از ویرایش دوم، تهران، میترا.
- ۷) از زبان شناسی به ادبیات، صفوی، کوروش (۱۳۷۳)، تهران، چشمه، چاپ اول.
- ۸) سبک شناسی نظریه ها، رویکرد و روش ها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، تهران، سخن.
- ۹) مجموعه کامل شعرها، هراتی، سلمان (۱۳۸۰)، چاپ اول، تهران، دفتر شعر جوان.

Stylistic analysis of Salman Herati poems

Akram Jahangiri¹, *Manije falahi²

Phd Student of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Corresponding author: mahdisfallahj@gmail.com

Received date: 1401/01/20, accepted date: 1401/07/18

Abstract

Stylistics is a science that examines each person's specific way of expressing their views and opinions. A layered stylistics with a literary analysis approach examines the text in five layers: phonetic, rhetorical, syntactic, lexical and ideological, and after explaining each of these five elements in a literary work, it seeks to characterize the Special characteristics shows the work that is the basis of his personal style. The present article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner

Salman Hрати should be called the pure voice of the literature of the stability of the Islamic Revolution of Iran. His main approach and motivation for composing poetry in defense of the Islamic Revolution and explaining its values is the issue of war, religious ideals and criticism of other socio-political structures in the world based on religious values. Due to the importance and special position of the poet, he tries to present Salman Hрати's collections in five layers (phonetic, lexical, syntactic, rhetorical, ideological) by presenting the tools and linguistic functions of the poetic system based on statistics Be carefully analyzed.

Most of Hрати poems directly or indirectly refer to the poet's worldview of his social beliefs and perceptions. Hрати in his white poems does not pay much attention to the form, structure and music of speech and is not similar to poetic expression in terms of language, expression and structure. Vocabulary of elements derived from nature and the use of folklore culture is a special feature of Salman Hрати language and in terms of image, it uses different types of imaginary forms such as simile, metaphor and irony with the focus on recognition and succeeds in creating beautiful images with simple language. It immerses the reader in its clarity.

Keywords: SalmanitarH , stylistics, phonetic layer, lexical layer, syntactic layer, rhetorical layer, ideological layer